

سپس پطرس نزد عیسی آمد و پرسید: «سرور من، تا چند بار اگر برادرم به من گناه ورزد، باید او را ببخشم؟ آیا تا هفت بار؟» 22 عیسی پاسخ داد: «به تو می‌گویم نه هفت بار، بلکه هفتاد و هفت بار» 23 «از این رو، می‌توان پادشاهی آسمان را به شاهی تشبیه کرد که تصمیم گرفت با خادمان خود تسویه حساب کند. 24 پس چون شروع به حسابرسی کرد، شخصی را نزد او آوردند که ده هزار فنطار که تقریباً نزدیک به دستمزد ۲۰ سال یک کارگر ساده بود. به او بدهکار بود. 25 چون او نمی‌توانست قرض خود را بپردازد، اربابش دستور داد او را با زن و فرزندان و تمامی دارایی‌اش بفروشند و طلب را وصول



کنند. 26 خادم پیش پای ارباب به زانو در افتاد و التماس‌کنان گفت: «مرا مهلت ده تا همه قرض خود را ادا کنم.» 27 پس دل ارباب به حال او سوخت و قرض او را بخشید و آزادش کرد. 28 اما هنگامی که خادم بیرون می‌رفت، یکی از همکاران خود را دید که صد دینار «معادل دستمزد یک روز کارگری ساده. بنابراین، «صد دینار» در مقابل «ده هزار فنطار» (آیه ۲۴) مبلغ بسیار ناچیزی بود. «به او بدهکار بود. پس او را گرفت و گلویش را فشرد و گفت: «قرضت را ادا کن!» 29 همکارش پیش پای او به زانو در افتاد و التماس‌کنان گفت: «مرا مهلت ده تا همه قرض خود را بپردازم.» 30 اما او نپذیرفت، بلکه رفت و او را به زندان انداخت تا قرض خود را بپردازد. 31 هنگامی که سایر خادمان این واقعه را دیدند، بسیار آزرده شدند و نزد ارباب خود رفتند و تمام ماجرا را بازگفتند. 32 پس ارباب، آن خادم را نزد خود فرا خواند و گفت: «ای خادم شریر، مگر من محض خواهش تو تمام قرضت را نبخشیدم؟ 33 آیا نمی‌بایست تو نیز بر همکار خود رحم می‌کردی، همان‌گونه که من بر تو رحم کردم؟» 34 پس ارباب خشمگین شده، او را به زندان افکند تا شکنجه شود و همه قرض خود را ادا کند. 35 به همین‌گونه پدر آسمانی من نیز با هر یک از شما رفتار خواهد کرد، اگر شما نیز برادر خود را از دل نبخشید.»

قرض‌هایی وجود دارند که ما دیگر نمی‌توانیم پرداخت کنیم. در طی قرون گناهان پدران به فرزندان انتقال پیدا می‌کنند ولی در این بین قرض‌هایی وجود دارند که هرگز قابل اصلاح کردن نیست. حتی اگر ما می‌خواستیم که این گناه را اصلاح کنیم باز هم این کار ناشدنی بود. حال این گناهی که هیچ راهی برای بهتر شدنش وجود نداشت چه کسی می‌توانست آن را تغییر دهد؟ تمام جنگ‌هایی که در دنیا وجود دارند محصول قرض‌ها و گناهانی است که پرداخت نشده‌اند. ما حتی در این مورد هیچ حرفی نمی‌زنیم و در مورد تمام گناهانی که ما و فرزندان ما باید به دوش بکشند ساکت می‌مانیم. کلماتی وجود دارند که انسان‌های دیگر را ناراحت می‌کنند. و این حالت باعث دعوای بزرگی خواهد شد و در نتیجه باعث جدایی ما انسان‌ها از هم می‌شوند و دوستی‌ها هم از این طریق از هم می‌پاشند. حتی بعضی از مواقع با نگاهی باعث کنایه خواهیم شد که فرزندان و نسل‌های بعد از ما این گناهان را به دوش می‌کشند و زیر چتر این گناه ما زجر می‌بینند. در مثالی که مسیح امروز برای ما بیان می‌کند او از قرضی سخن به میان می‌آورد که قابل پرداخت نیست. در آن زمان ده هزار سکه ی نقره با پول امروزی معادل میلیون‌ها است. این به این معنی بود که آن مرد در تمام عمرش در زندان هم نمی‌توانست آن را پرداخت کند. موقعیتی که آن مرد داشت کاملاً ناامیدکننده بود و به هم جهت او در مقابل پادشاه زانو زد و طلب بخشش کرد. در آخر مسیح این پادشاه را با خدا مقایسه می‌کند و در واقع منظور از پادشاه همان پدر ما خداوند آسمانی است. دقیقاً خداوند هم کاری انجام می‌دهد. او موقعیت بد خادم خود را می‌شناسد. و او می‌داند که آن مرد نمی‌تواند قرض خود را پرداخت کند. بلکه خداوند به قرض‌هایی که آدم را در موقعیت ناامیدکننده‌ای قرار می‌دهد نگاه نمی‌کند. او قلب‌هایش را آن زمان می‌گشاید که بتواند ساده از کنار قرض‌هایش بگذرد. خادم برای قرض‌هایی که داشت یا باید آنها را پرداخت می‌کرد یا اینکه باید کاری می‌کرد که آن قرض و اشتباه خود را اصلاح کند، ولی او از تمام قرض‌هایی که داشت بخشیده شد. هنگامی که پطرس رسول از مسیح این سؤال کرد که آدم چند بار باید برادر خود را ببخشد او اینگونه جواب داد. در واقع سؤال پطرس واضح نبود، پطرس همان بخششی را که مسیح از مثالی را که آورد نداشت. و او متوجه شد که مسیح کارهای باور نکردنی را انجام می‌دهد. او حتی بزرگترین و بدترین گناهان را خواهد بخشید. زیرا پطرس که یهودی بود باید می‌دانست که طوری سؤالش را بیان کند که حد و مرزی در آن وجود داشت. زیرا در قانون یهودیت یک گناه باید اصلاح و درست می‌شد. و در قانون یهودیت هم حد و حساب

خاصی وجود داشت. مثلاً یک حدی باید بخشش صورت می گرفت نه بیشتر. به همین خاطر برای پطرس مهم بود که مرز بخشش حد و حسابی می داشت. جوابی که مسیح به او داد نه هفت بار بلکه ۷۰ بار ۷. با این جوابی که او داد مشخص کرد که برای بخشش حد و مرزی وجود ندارد و بعد با مثلی که از آن پادشاه به میان آورد نشان داد که او بزرگترین گناهان را خواهد بخشید. و او می خواهد این را هم به رسولنش و هم به ما بگوید که خداوند به همین شکل ساده خواهد بخشید. کسی در دنیا وجود ندارد که دارای قرض های فراوانی نباشد و به همین جهت مسیح می خواهد به ما بگوید که ما نیز باید چشم به راه بخشش او باشیم. بله مسیح در این داستانش از پادشاهی می گوید که مانند پادشاهان دیگر نیست زیرا خیلی کم پیدا می شود که خادمی به سادگی بخشیده شود چون در غیر این صورت او با تمام خانواده اش باید عمرش را در زندان سپری می کرد. ولی او بی دلیل و ساده بخشیده شد زیرا این خواست خود پادشاه بود.

ولی وقتی او آزاد شد از همکاری می خواهد که تمام قرضش را به او باز گرداند. و او دقیقاً بر خلف پادشاه خود عمل می کند. او به بخشش فکر نمی کند و فقط به حساب خود فکر می کند. طلبی که او از آن شخص داشت حتی کمتر از قرضی بود که به او بخشیده شد. او نشان داد که هیچ بخششی به خادم خود ندارد. او نتنها باخادم خود درگیر نشد بلکه او را هم به زندان انداخت. تا لحظهای که آخرین دینار او را نپردازد. و به همین خاطر پادشاه هم با فهمیدن این داستان او را به زندان انداخت. مسیح هم در آخر نتیجه را بیان می کند. پدراسمانی من هم با شما چنین خواهد کرد اگر شما از ته قلب برادر خود را نبخشید.

بله من در اول این داستان این را هم بیان کردم که ما نمی توانیم قرض خداوند را پرداخت کنیم و هنوز همه روز و شب گناهی به گناهان ما افزوده خواهد شد. به همین دلیل هر بار ما به پدر آسمانی خود دعا می کنیم. و از او تقاضا می کنیم که گناهان ما را ببخشد. مسیح به ما یاد می دهد که همیشه دعا کنیم. زیرا این برنامه ی خود اوست برای بخشش ما. ما نمی توانیم قرض خود را پرداخت کنیم فقط ما می توانیم منتظر بخشش باشیم. این تنها خداوند است که گناهان را می بخشد و اوست که توان بخشش هر گناهی را دارد. و در آخر او ما را دعوت می کند که با او باشیم. ما باید از او بخشش را بیاموزیم و یاد بگیریم که چطور دیگران را ببخشیم. ما باید بهترس از بخشش غلبه کنیم و این انقلابیست واقعی! در دنیای امروزی ما هر روز خون بیشتری ریخته و جنگ بیشتری رخ می دهد. ولی خداوند از طریق عیسی مسیح کاملاً یک راه جدید را به ما ارائه می دهد و به همین جهت ما به دنیای خود چنین هدیه ای را به دنیای خود می دهیم که به آن نیاز دارد. هدیه ما به دنیا بخشش و آزادی است. خدایا به ما نشان بده که کجا مرتکب گناه شده ایم. به ما یاد بده که معنی بخشش را خوب درک کنیم. و به ما اجازه بده که نور تو را در جهان روشنی بخشیم. از طرق عیسی مسیح کسی که او این کار را برای ما انجام داد. آمین.